

بمیری پس گفت آنگاه رسول خدا را بنام شما پس فرمود رسول خدا  
که نیایی ما پس با ما بگرد و در نزد منی است از روایت امیرالمؤمنین  
عاشق صدیقی رضی الله عنه بدستیکه در آنجا بود که رسول خدا پس گفت  
رسول خدا است عیسی بن النضر قناری است از قریب از من پس  
درین روز نمیده شد بقیق الله و روایت کرده است از جابر رضی الله  
عنہ رسول خدا که فرمود که با کبر و زینت و قیام در امت من پس از  
من و عیبه دوست من و عثمان و اما در سنت و علی با در سنت و  
صاحب البری منت گذاری الفقیه فی الشبان فی اخباری قال رسول  
الله صلی الله علیه و آله وسلم لا یمن علی المسلم الا بالاب الی کبر و نیز  
در صحیح آمده است از عبد الله بن عباس رضی الله عنه که استاده بودم  
در میان قوم پس چون در عمر رضی الله عنه و حال که نهاده شد پل  
بر سر بنه در آنوقت یکدیگر پس از من نهاده بود عرض خود در پیش  
من و مکتب رحمت خدا با و بر تو بگردستیکه بودم من که میفهمم  
و امید دار بودم که گردانند خدا تعالی با هر دو باران تو یعنی رسول خدا  
صلی الله علیه و آله و سلم و ابو جعفرین از آنچه بسیار بود که می شنیدم

بازرسی

رسول خدا

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که میفرمود بودم من و ابو جعفر و عمر  
و ابو بکر و عمر و روایت شد من و ابو بکر و عمر پس برستیکه اینها میبارم  
اینکه بر او انداخته تعالی شد از آن هر دو پس التفات کردم بنحن نا  
گاه علی بود و منی مطلع الا نوار در صحیح مسطور است که ام المومنین عایشه  
رضی الله عنها و عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت میکنند که چون  
سید عالم علیه السلام بیض شد فرود او حالت دید فرود او در وقت  
و کاغذ بسیار دید ابو بکر و عبد الرحمن را بطلبه و صحبت نامه نویسنده  
میرسم که نباید که بعضی می خرد با بکر خنای صرافت کند که بود که اول  
شم و استس را خدا تعالی از من نشان نه بسند و استحق در این مختصا قال  
ابو شکر سلیه و اما الفقیه علیها بعد رسول علیه السلام قناری  
بالین من بعدی الی کبر و عمر و من رسول الله صلی الله علیه و سلم  
انتهت ملکات لیلته انری فی الی السماء و حلیت به و را بر جلیت  
صفای علی الاوصاف فعلت لها من انت فقلت الخلیفه عن ابن الخطاب  
فسماه رسول الله صلی الله علیه و سلم خلیفه اول علی ان کان حقیق الخلق و قد  
استخلف ابو بکر من بعده و هو حق بهما و در تعابیر ما توردیمه روایت کرده است

در صحیح مسطور

ابو بکر